

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنْما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۸۹) رزمِ راستین

از آن آشنا پرسیدم:

- چرا دیگران، با ستمگرانِ حاکم بر جوامعِ غریزیِ حیوانیِ مُبارزه نمی کنند؟

پاسخ داد:

- تاریخ، سراسر، شرحِ پیکارِ دیگران با این دَدَمَنِشانِ انسانِ نَما است.

برخلافِ تصورِ این زِمَامدارانِ دیوِ سرشت،

مردم، گوسپندانِ رَمِه نیستند تا واداده و بی اراده، از هر آن کس که خود را شَبانِ آن ها می نامد و

می داند، بی چون و چرا، فرمانِ بَبرند؛

بلکه

در طول تاریخ نشان داده اند که شیرانی قوی پنجه اند که با چنگ و دندان از جان و مال و ناموس خویش و سرزمین متعلق به خود دفاع کرده و می کنند.

افزود:

- البته آن معدود بُزِ دِلان و فرومایگانی که به گوسپندِ رَمهٔ حاکمان بودن تن می دهند و یا به آن دِلخوش اند، شایستهٔ نام مردم نیستند؛ و لذا، در صحبتِ کنونی ما جایی ندارند.

پرسیدم:

- یعنی می گوئید هر آن دیگری که با فرمانروایانِ دَدَمَنش مبارزه می کند، در جرگهٔ شیران است؟

در پاسخ فرمود:

- خیر.

این دیگران در چهار گروه جای می گیرند:

۱- دیوَصِفَتانی که صرفاً بر سرِ تَصاحبِ آن "مَلک و رَمه" با حاکمان ستیزه می کنند.

(که شوربختانه دودِ این کشمکش ها و خونریزی ها، بیشتر، به چشمِ مردمِ بیگناه می رَوَد)

۲- دلیر مردانی که خواهان بازستانیِ حقوق از دست رفته خویش اند، و از جان و مال و ناموس و ملکِ خودشان دفاع می کنند.

۳- رادمردانی که خواستار استیفایِ حقوقِ پایمال شده مردمان اند، و از جان و مال و ناموس و سرزمینِ مادریِ ایشان، جانانه، حراست می کنند.

۹

۴- بزرگ منشانی که خیرخواه کل بشریت اند، و گستره نیک خواهی شان همگان، حتی فرمانروایان، را در بر می گیرد.

آنگاه افزود:

- گروه اول، خود، بنده غرایز حیوانی اند، و ستیزشان با فرمانروایان، از جنسِ تنازع حیواناتِ وحشی در طبیعت است.

گروه دوم و سوم پیروانِ غرایز انسانی اند، و اهدافِ ایشان (به ویژه آرمان هایِ گروه سوم) مورد تأیید دین و اخلاقِ حقیقی است.

و ادامه داد:

- گروه چهارم، فطرت گرایان اند، و تنها، مبارزه ایشان را می توان، به حق، رزمِ راستین نامید.
اینان، صرفاً، به حمایتِ لفظی از مبارزاتِ گروهِ دوم و سوم بسنده نمی کنند، بلکه با شرکتِ فعالانه در آن، و نیز سمتِ بخشیدن به آن، آرزومندند و می کوشند تا
حتی اسیرانِ غرایزِ حیوانی، پس از فرو افتادن از آریکه قدرت، بتوانند برای زندگی در یک جامعه شایسته
انسان ها از نو تربیت شوند.

پرسیدم:

- چرا؟

پاسخ داد:

- چون باور دارند که سجایای فطری، هرگز در کسی نمی میرد،
و، به لطفِ "او"،
همواره، راه بازگشت به سرشت (آستانه بهشت)، برای همگان، باز است.

افزود:

- فطرت گرایان خوب می دانند که
شخصِ ظالم، موجودی ترسو و نادان است و ستمگری اش از جهل و جبن او سرچشمه می گیرد.

ادامه داد:

- و نیز آگاهند که

ستمگران، خود، بردگانی بیش نیستند؛

بردگانِ کامجویی های سفیهانه،

بردگانی بی خبر از این حقیقت که ایشان، بیشترین ستم را در حق خویش روا می دارند.

چون

با اَعْمَالِ شَنِیعِ شان، سوار بر تَوْسَنِ سرکشِ حِرص و هَوَس، به تاخت، راهی جایگاهِ اَبَدیِ خود در دوزخِ اند.

از این رو،

در هر اجتماعِ تحتِ سِتم، خیرِ همگان - چه ظالم و چه مظلوم - در آن است که، از راهِ درست و در کمترین

زمان،

امکانِ ستمگری از ستمگران سلب گردد،

و

دادگران بر جامعه حکومت کنند.

آنگاه فرمود:

- مَشی نیک خواهی برای همگان، که به مثابه یک ویژگی ثابت در تمامی پندارها و کردارها و گفتارهای فطرت گرایان موجود و مشهود است، از نگرش درست نسبت به هستی، و به بیان دیگر، از جهان بینی یکتا پرستانه نشأت می گیرد.

افزود:

- این نوع جهان بینی و نگرش، به لطف "او"، به صورت نهفته، در سرشت همه آدمیان به ودیعت نهاده شده است.

و ادامه داد:

- در گفته های حاضر، که مَبْتَنی بر این گونه جهان بینی و نگرش است، به خواست و با اجازه "او"،
عملکرد فطرت گرایان و شیوه دستیابی بر اهداف متعالی ایشان تشریح، و رهنمود های علمی و عملی
مربوطه ارائه خواهد شد.

پرسیدم:

- چرا علمی و عملی؟

فرمود:

- چون گِنشی که از دانش برنیاید، پیروی کورکورانه است که این، خود، تنها آب به آسیاب کسانی می ریزد که از نادانی مردم بهره برداری می کنند.

افزود:

- در این سخنان،

در حوزه علم،

به همگان توصیه می شود که،

در عین کوشش برای کسب آگاهی درباره آن چه که هست، و توجه دقیق به آن،

هدف اصلی خود را دستیابی بر دانش مربوط به آن چه که باید باشد، و تلاش برای تحقق آن قرار دهند.

ادامه داد:

- و در وادی عمل،

از رزمندگان راستین خواسته می شود که، با تمام توان خویش، همزمان با دفاع از مبارزات گروه دوم و

سوم، و مشارکت آگاهانه در آن، پیگیرانه، خواهان رسیدن به اهداف و آرمان های گروه چهارم باشند.

پرسیدم:

- با تمام توان خویش یعنی چگونه؟

پاسخ داد:

- یعنی با گویش، کنش، دِش، و انگیزش.

گفتم:

- اگر اشتباه نكنم، يعنى به گفته پيشينيان، به دَمى يا قَلَمى يا قَدَمى يا درمى.

فرمود:

- آرى، اما

گرچه در حمايت از مبارزات گروه دوم و سوم، اين گونه خدمات، بايد تنها در صورتِ ضرورت، آن هم در حدِ

نياز، صورت گيرد؛

ولى

در امر پيكار در راهِ نيلى به آرمان هاى گروه چهارم،

يعنى در رزمِ راستين؛

با تمامِ توانِ خويش، يعنى با بَذَلِ هر آن چه كه شخص در اختيار دارد؛ اعم از جان و مال و آبرو.

و پرسيد:

- آيا براى ايثارِ موجوديت و ثروت و حيثيت، جايى بهتر و برتر از آوردگاهِ حق و باطل مى شناسيد؟

پاسخ دادم:

- خير.

آنگاه فرمود:

آن چه که در خصوصِ مبارزاتِ افرادِ گفته شد، دربارهٔ رویاروییِ انواعِ جوامعِ بشری نیز صدق می کند.

از این رو، در جهانِ امروز، در این دنیایِ غرقه در ظلم،

خیرِ جهانیان در این است که، از راهِ درست و در کمترین زمان، جامعهٔ عدلِ الهی جایگزینِ همهٔ جوامعِ

غریزی - به ویژه جوامعِ غریزیِ حیوانی - گردد؛

آن آشنا، در شرحِ گفتهٔ خویش، افزود:

- از آن جا که

عدالت، قرار گرفتنِ شکلِ راستینِ هر چیز، در جایِ راستینِ آن است

پس، تا آن جا که پایِ اجتماعاتِ بشری در میان است،

خیرِ راستین برای همگان،

استقرارِ عدالتِ جهانشمول، از طریقِ برپاییِ جامعهٔ عدلِ الهی در سراسرِ عالم است.

ادامه دارد